



شماره چهار صد و پنجاه و هفتم

پیراگتتم: به ما شد عرصه تنگ جز شکیبایی چه باشد راهکار؟

توی دنیای پر از اندوه و جنگ خنده کرد و داد پاسخ: «شهرونگ»

شهرونگ

با خروج ترامپ از برجام، آینده این سند با ما و اگر رو به روشد

برجام: خوبی بدی دیدید حلالم کنید!

مردم: هر چی آرزوی خوبه مال تو/ هر چی که خاطره داری مال من
ریش قرمز: چیزی نیست نمایش محیطی فیلم جدایی پنج از یک بود
عده‌ای در حال خوشحالی: نترسید نترسید ما همه کاسب هستیم
با بک زنجانی: پیام؟
برجام: عوارض خروج چقدره حالا؟
مومیایی: یعنی جدانمیخواید بیخیال من بشید؟
#شکست عشقی سیاسی #تو به فراداها به روشنی بیاندیش #باز-هم برهه حساس کنونی #شهرونگ

تزیقات

بوی خوش

علی اکبر محمدخانی

طنز نویس
oostakbar@gmail.com

خدا نصیب قسمت تون کنه. چند شب پیش با خانومم روی تخت دراز کشیده بودیم؛ البته فکر بد نکنید، هر کدوم روی تخت خودمون جداگانه خوابیده بودیم. من همینجوری که داشتم پرز هام رو شونه می کردم به خانومم گفتم: «چرانمی خوبی؟» خانومم کلهش رو از روی مقععه خاروند و گفت: «والا از بوگندت نمی شه خوابیده ببینم کی رفتی حموم؟» من گفتم: «هفته پیش رفتم» خانومم گفت: «بس چرا آن قدر بوگند می دی؟» من برای خانومم توضیح دادم که بوگند آدم لزوماً از حموم رفتن نیست و می تونه علت های دیگه ای هم داشته باشه. خانومم گیر داد که «یکی از اون علت ها رو بگو.» من برایش توضیح دادم که خوردن لوبیای نیم پز یا سنگدون مرغ و کریم کارامل به عنوان شام می تونه دلیل کافی برای بوگند آدم باشه. بعد از شنیدن این حرف خانومم با مناعت بلند شد و کفشش رو پوشید و مثل بالاسبت چی شروع کرد به لفت زدن زمین. منم دیدم با این وضع نمی تونم بخوابم. پاشدم و رفتم تلویزیون رو روشن کردم. دست صداسیما در نکنه که نصف شبی هم نگران آینده بچه های مردمه. یارو قسم می داد که اگه به فکر بچه هاتون هستید، وقت روز دست ندید، همین الان نصف شبی که سگ از خونه ش بیرون نمی ره، فلان شماره رو بفرستید به فلان سامانه و گر نه که الهی به همین وقت عزیز غایز بچه هاتون به دلتون بچونه.

اصولاً ما ایرانی ها از دو چیز متفریم و تا بهمون تکلیف نشده مستمون نمی ریم؛ یکی کاندید شدن برای انتخابات و یکی هم گنگو رو تنفر ما از این دو به حدیه که برای ما به دست نیابور دشمن هر چند وقت یکبار نسلمون در معرض تقراض قرار می گیره، ولی به لطف لک لک های خدم و راحمتکش به شکل اعجاب انگیزی تکثیر شده و از خطر انقراض نجات پیدای کنیم.

کمال تلویزیون رو عوض کردم؛ یکی از مسئولان با بغض توی گلو و غروری خاص در نگاه جلوی باقی مسئولان می گفت: «تعریف از خود نباشه، اما به همت مسئولان که خودمان باشیم، امروز مقترحم که اعلام کنیم قمر مطلق در کشور ریشه کن شد»

خبر چنان هولناک بود که با شنیدنش در لحظه داشتیم ریشه کن می شدیم که پهبو به خودمون اومدیم و دیدیم که شادی عجیبی بین من و خانومم برقرار شده، دست هامون رو باز کردیم و به شکل اسلوموشن به سمت هم دویدیم و وقتی به هم رسیدیم، با رعایت موازین اخلاقی هر کدوممون یک بالشت برداشتیم و بغل کردیم و با فشار دادن بالشت ها خوشحالی مون رو باز کردیم و این دستاورد بزرگ رو به خودمون و بالشت ها تبریک گفتیم.

انصافاً کلام مستمون از آرش بخشه، بالشت ها بعد از تحمل اون همه فشار باز طالب فشار بیشتر بودند، ما هم اونچه در تون داشتیم فشار دادیم، پز بود که از سولاح سبمه بالشت ها بیرون می ریخت، آن قدر فشار دادیم که بالشت ها به قفد افتادند اما قبل از این که تخم طلا بگذارند ریغشون در اومد.

کمال رو عوض کردم، ترامپ مثل گلاب برجام رو پاره کرد. بوگند عجیبی کل خونه رو گرفته بود. برای خانومم توضیح دادم به جز ترکیب لوبیای نیم پز و سنگدون مرغ و کریم کارامل چیزهای دیگری هم هستند توی دنیا که باعث بوگند می شنند. از بیرون صدای سرفه رفتر هشتاد هشت ساله محل با صدای خیش خیش جاروش تر کبب شده، پاشدم پنجره رو باز کنم که هوا عوض بشه، خانومم در حالی که دماغش رو گرفته بود، تلویزیون رو از پنجره به بیرون پرت کرد، بی خانمانی سرش رو از سطل اشغال بیرون آورد، تکه های تلویزیون متلاشی شده رو زیر بغل زد، با لطف خانومم تشکر کرد، ما رفتیم که تا بد خوابیم.

تماشاخانه

کار نویسندگی: احسان گنجی | کار نویسندگی: ehsanganj58@gmail.com



کوچه سوم

بردارد و رونوشتش را برای جاهای مختلف بفرستد و دارد با دوست پسرش درباره یک آخر هفته رویایی قرار و مدار می گذارد، در تهران شما اگر موعد اجاره خانهات تمام شده باشی و به نگاه املاک بروی تا خانه جدیدی اجاره کنی، می بینی که عکس العمل عباس آقابنگاهی محل از همه دنیا سریع تر بوده و قیمت از دیروز تا امروز ز کورد جدیدی را به جا گذاشته. حرفم هم که بزنی، می گوید: «این قیمت مال امروزه، بری و فردا بیا به وقت می بینی، یکی توی غرب آفریقا عطسه کرد و قیمت دوباره کشید بالا، پس همین الان بشین سر معامله.» احتمالاً در یکی دو روز آینده، مرغ ها هم طاقچه بالا می گذارند و به این راحتی، تخم نخواهند کرد. بعد هم گاو و گوسفند ها چون از قدیم رقابت سختی با مرغ ها داشته اند، می گویند: «مگه ما چی مون از مرغ ها کمتره؟» و یکدفعه می کشند بالا. حالا اینها مرغ و گاو و گوسفند هستند و کمی منطق سرشان می شوه؛ دیگر حرفی از موجودات زبان نفهمی مثل طلا و ارز نمی زیم که منتظر یک بشکن هستند. خلاصه این که اگر دنیا با ما نامهربان است، خودمان با هم مهربان باشیم.

مهربان باش کلم! | **شهاب نبوی** | **خب** از آن جایی که هر ایرانی مساوی است با یک کارشناس خبره در امور بین الملل، امور غیر بین الملل، امور داخلی، امور به کم خارجی، کارشناس اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و... و من هم اگر دل تان نخواهد یک ایرانی اصل هستم، امروز به بررسی خروج آمریکا از برجام می پردازیم. اول از همه باید این زاویه بررسی شود که هر خروجی مساوی با یک ورود است. مثلاً شما وقتی از گلاب به روی تان از دستشویی خارج می شوید، طبیعتاً وارد یک جای دیگری می شوید. حالا این دیگر بستگی به معمار خانه شما دارد که دستشویی را رو به پذیرایی ساخته باشد یا یک گوشه دنج برایش پیدا کرده باشد. الان دغدغه شخصی من این است که طرفین برجام بعد از خروج از آن به کجا ورود می کنند؟ بعد از این سوال فلسفی «جواد خیابانی» وار می رویم به مرحله بعد. تجربه نشان داده که ما ایرانیان اصل، در این طور مواقع بحرانی، حتی از طرف خروج کننده هم زودتر واکنش نشان می دهیم. همین الان که فرمان خروج از برجام ترامپ ازش هنوز وقت نکرده از روی میزش

اخبار سینما

حضور ناگهانی ترلان پروانه در کن

مرگش توانسته جایگاه مناسبی در جدول تمرین تران آدم های دنیا به دست بیاورد، بعد از دیدن تبلیغات میدانی فیلم «به وقت شام» چند ساعت است که در بالکن قدم زده و سیگار می کشد و هر چند بار روی دست خودش کوبیده و می گوید: «یعنی کجای راه و اشتباه رفتم؟»

در همین راستا و در پی ضوابط اتوبوسی ایران، تهیه کننده یکی از فیلم های پر هزینه که از زیادی سالن سینما دل درد گرفته بود، در پاسخ به اعتراض مصطفی کیایی و رضا درمیشیان برای تعداد کم سالن های سینمای فیلم هایشان به آنها گفت: «نه تو رو خدا، بیا سالن هم بگیر بفروش.» او سپس در حالی که با مشت به سر و کله خودش می کوبید و به زمین و زمان و رضا رشیدپور فحش می داد، گفت: «من وابسته نیستم لعنتیاً.»

قبل از رفتن به رختخواب افتتاحیه را نگاه کرد. او فروش سال آینده سینمای فرانسه را مناسب ندانست و گفت: «دو تا کمدی بزنی تنگش دیگه».

سایت حوزه هنری: آمادگی فزاینده برای انتقال تجربیات خود به جشنواره کن / چطور فیلم بفروش بسازید.

ستون سینمایی روزنامه وطن امروز: حضور تاسف انگیز یک عنصر وابسته به دختر پادشاه قطر در جشنواره همجنس بازان / آیا وقت آن فرا رسیده؟

تبلیغ خلاقانه و فردهنده فیلم «به وقت شام» که با حضور چند داعشی گولاخ با اسب و اسلحه در پردیس کوروش انجام شد؛ بدون تلفات جانی و فقط با چند اپیلایمون سطحی به کار خود پایان داد. این در حالی بود که یکی از طراحان این تبلیغات با اعتراض به وضع از صد متری ضبط شده بود، یک نفر در لاکت شات، با یک چیزی از یک جایی عبور می کرد. خبر افتتاحیه جشنواره فیلم کن در دیگرس رسانه های سینمایی هم بازتابی گسترده داشت:

کافه سینما: خوش لباس ترین بازیگران افتتاحیه به علاوه عکس تیپ جدید امیر قادری در بالکن خانه شان که چشم بهروز افخمی را کور خواهد کرد + تف به سینمای نفتی کانال خیری فیلم ایران: علی سرتیپی

آندره کاریلو | کار نویسندگی: Instagram: andre_carrillo

